

شیرینی مهمانی خدا را بچشیم-۱

پناهیان: چه احساسی نسبت به رمضان داشته باشیم؟

«البته باید از تعبیر «ضیافت» متوجه برخی وجوه صعوبت و سختی ماه رمضان شده باشیم. چون انسان در ضیافت، هرچند پُر موهبت هم باشد، نمی‌تواند به راحتی خانه خودش باشد و به دلیل مؤدب بودن، نسبت به وقتی که در خانه خودش هست معذب‌تر است. آدم در مهمانی هرچه هم به او خوش بگذرد نمی‌تواند هر رفتاری که دلش می‌خواهد انجام دهد و بسته به درجه اهمیت و ابهت مهمانی، بیش از آنکه به فکر راحتی خود باشد در اندیشه بهره برداری است.»

کتاب «شهر خدا؛ رمضان و رازهای روزه‌داری» اثر حجت الاسلام پناهیان که انتشارات «بیان معنوی» چاپ هشتم آن را روانه بازار نشر کرده است، حاوی نکات و نگاهی نو و کاربردی برای بهره‌برداری بهتر از ماه مبارک رمضان است که با بیانی ساده و روان به رشته تحریر درآمده است. به مناسبت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان با برگزیده‌ای از این کتاب به استقبال روزها و شب‌های قشنگ ماه مبارک رمضان می‌رویم. بخش اول از این گزیده‌ها را در ادامه می‌خوانید:

چه احساسی نسبت به رمضان داشته باشیم؟

حُب، رمضان که با این همه حُسن و زیبایی ما را مهمان خدا کرده است و خداوند متعال را میزبان ما قرار داده است؛ حالا چه احساسی نسبت به آن باید داشته باشیم؟ با چه دلی باید به سوی رمضان برویم؟ با توجه به آن همه وعده‌های خوب الهی، آیا تنها با شوق و شادی باید به سوی رمضان گام برداریم؟ یا خوف و هراس هم در این میانه جایی برای خود دارند؟

تردید نیست شوق لذت بار یافتن به چنین مهمانی کریمانه‌ای، اولین چیزی است که به‌خاطر خطور می‌کند. ولی همیشه اگر در کنار شوق، جایی برای خوف هم باشد، خوف خود را اول نشان می‌دهد و می‌گوید اول خیال خودت را از من راحت کن، بعد از آن به دنبال شوق خود شتاب کن. و خوب می‌دانید که از دل شوق، خوف برمی‌خیزد و به شوق اشتیاق است که باید از عوامل خوف ترسید و با آن عاقلانه برخورد کرد.

هیبت ماه رمضان

اگر حضور در محضر میزبان را در این ضیافت باور کرده باشیم و عظمت خدای رمضان را نیز دریافته باشیم، بی‌شک در کنار هوس ضیافت، هراس از بی‌ادبی نسبت به این بارگاه باشکوه هم به دلمان راه می‌یابد و حتی قبل از خیز برداشتن برای حضور در این بار عام، خوف ظهور آن همه عظمت در برابر وجود ناچیز ما، در جانمان جاری می‌شود.

مگر امام سجاد(ع) در مناجات خود هنگام وداع با ماه رمضان نمی‌فرمودند: «و [ما] أَهْبَيْكَ فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای ماه رمضان، تو چقدر در قلب مؤمنان با هیبت بودی.» (۱) این هیبت از کجاست؟ طبیعی است این هیبت یا ناشی از تقرب به محضر ربوبی است، و یا نشأت گرفته از اهمیت رعایت آداب و به‌جا آوردن به‌جای اعمال مهم ماه رمضان است تا به ساحت مقدس پروردگار یا به ساحت قدسی ضیافت کریمانه‌اش بی‌ادبی نشده باشد.

وقتی رسول خدا(ص) به جابر بن عبدالله دربارهٔ برکات ماه رمضان همراه با شروط و آداب آن می‌فرمایند: «يَا جَابِرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ مَنْ صَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَعَفَّ بَطْنَهُ وَفَرَّجَهُ وَكَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ؛ ای جابر! این ماه رمضان است (که بر ما وارد شده). هر که روزهایش را روزه بردارد و ساعتی از شبش را به مناجات برخیزد و شکم و شهوت خود را از حرام حفظ کند و زبانش را (از زشتیها) باز دارد با خارج شدن از این ماه از گناهانش هم خارج (منفک) می‌شود.» (۲)

جابر از ثمرات و وعده‌های شیرین ماه رمضان خوشحال می‌شود و می‌گوید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثُ؛ یا رسول‌الله! چه کلام زیبایی فرمودی!» به بشارت‌های رمضان اشاره می‌کند. ولی رسول خدا(ص) می‌فرمایند: «يَا جَابِرُ وَمَا أَشَدَّ هَذِهِ الشَّرُوطُ؛ برای جابر چقدر این شروط سخت است.» در واقع به سختی‌های رعایت آداب رمضان تصریح می‌فرمایند و می‌خواهند توجه جابر را به حساسیت و اهمیت رمضان جلب کنند. واضح است که رسول خدا(ص) از پیروان خوب خود می‌خواهند که پیش از آنکه در لذت بردن از برکات رمضان غرق شوند، نگران دقت در رعایت آداب رمضان شوند.

راحت نبودن، طبیعت یک مهمانی

البته باید از تعبیر «ضيافت» متوجه برخی وجوه صعوبت و سختی ماه رمضان شده باشیم. چون انسان در ضیافت، هرچند پُر موهبت هم باشد، نمی‌تواند به راحتی خانهٔ خودش باشد و به دلیل مؤدب بودن، نسبت به وقتی که در خانهٔ خودش هست معذب‌تر است. آدم در مهمانی هرچه هم به او خوش بگذرد نمی‌تواند هر رفتاری که دلش می‌خواهد انجام دهد و بسته به درجهٔ اهمیت و ابهت مهمانی، بیش از آنکه به فکر راحتی خود باشد در اندیشهٔ بهره برداری است.

نگرانی برای از دست دادن فرصت طلایی رمضان

مگر رمضان یک فرصت طلایی نیست؟ مگر ما به شدت به آن مشتاق و محتاج نیستیم؟ پس باید از خود خوفناک باشیم که مبادا این فرصت از ما فرار کند و ما در آن قرار نیاوریم. هر چقدر این ضیافت عزیزتر باشد، نگرانی ما از ضایع شدن آن بیشتر خواهد بود و دل شوره‌ها، ما را به پرسش‌های بی‌پایان وا می‌دارند:

آیا بهرهٔ ما از این ماه بهترین خواهد بود؟ مبادا در این ماه مبارک رمضان جزء کسانی باشیم که از روزه چیزی جز گرسنگی عایدمان نشود؟ آیا نیازهای فراوان ما، در این ماه برآورده خواهد شد؟ و سؤال‌های فراوانی از این قبیل که تنها برای انسان‌های بلند همت و مشتاق پدید می‌آید.

مگر اینکه آن قدر از نعمات معنوی برخوردار باشیم که دیگر به بیش از آن، نیاز مبرم نداشته باشیم و برکات رمضان برای ما جنبهٔ تفریح و تفنن داشته باشند. که این حرف آن قدر سخیف و بی‌پایه و اساس است که قابل اعتنا نیست. چون وقتی اولیاء خدا برای دریافت ذره‌ای از عنایت خدای رحمان، با اینکه برای آنها جلب رضایت خدا به هیچ وجه دشوار نیست، آن قدر تمنا و تضرع می‌کنند، تکلیف دیگران معلوم است. اما برای خالی نبودن عریضه، باید عرض کنم که در این صورت وضع ما از دو حالت خارج نیست؛ یا اهل عرفان و عبادتیم یا نیستیم. اگر نباشیم واضح است که خیلی مضطرب و نیازمند خواهیم بود، گرچه خود تشخیص ندهیم. و اگر اهل آن باشیم؛ لابد آنقدر علاقه‌مند به خداوند و عنایت‌های او شده‌ایم که اصراری در حد اضطراب برای دریافت مابقی آن الطاف و مهربانی‌های خدا پیدا کرده باشیم.

پس اجازه بدهید در چند عبارت شسته‌رفته نگرانی‌هایمان را همراه با عوامل آنها مرور کنیم:

نگرانی‌های ورود/۱. ناقص بودن اثری که از خود باقی خواهیم گذاشت

اول اینکه آدم حسابی‌ها علاقه‌مندند هر کاری را به درستی انجام دهند. دوست ندارند اگر اثری خلق می‌کنند ناقص و پرعیب باشد. رمضان هر سال هم، اثری است که ما از خود در عالم هستی به‌جای می‌گذاریم، و حتی این اثر را در روز قیامت ملاقات خواهیم کرد. رمضان‌های سال بعد هم، اگر به‌خوبی برگزار شوند، جبران کاستی‌های این رمضان را نخواهند کرد. هر کدام تابلوی مستقلی خواهند بود. نگرانی از اینکه مبدا این رمضان به‌خوبی برگزار نشود، پیش این جور آدم‌ها رسم رایجی است و حداقل عاملی است که در کنار شوق، یک نوع نگرانی هم در ایشان ایجاد می‌نماید.

۲. پایین آمدن سقف پروازی ما (کم بودن اوج آدمیت ما)

دوم اینکه اگر رمضان اوج خوب بودن ماست، و ما معمولاً در غیر رمضان وضعیتی بهتر از رمضان پیدا نمی‌کنیم، و هر نمره‌ای در رمضان دریافت کنیم در غیر رمضان کمتر از آن را خواهیم گرفت، اینکه مبدا سقف پروازی ما پایین بیاید و اوج آدمیت ما کم باشد، که یقیناً با بلند نظری و همت والا منافات دارد. این دومین موردی است که شدیداً عامل نگرانی آدم‌هایی که بلند همتند و فرومایه نیستند، خواهد بود.

۳. نگرانی از رعایت نشدن حرمت رمضان

سوم هرچه رمضان نزد علاقه‌مندان به خدا، مقدس‌تر و عزیزتر باشد، همان قدر اهمیت رعایت حرمتش و قدردانی از نعمتش عامل نگرانی آنها خواهد بود. البته معلوم است، هر یک از این نگرانی‌ها طعم و مزه خاص خود را دارد. و برخی از این نگرانی‌ها مانند همین مورد اساساً تلخ و تنفر برانگیز نیستند و اتفاقاً بسیار دلنشین و شیرین هم از آب درمی‌آیند. مانند عاشقی که در مورد نگهداری هدیه معشوق خود نگران باشد که مبدا صدمه‌ای ببیند و به سختی از آن مواظبت می‌کند.

۴. ترس از شقاوت

چهارم، بناست ما در ماه رمضان بخشیده شویم و این بخشودگی آنقدر مهم است که فرستاده خدا(ص) فرموده‌اند: «فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ شقی و بدبخت آن کسی است که در این ماه با عظمت از مغفرت خدا بی‌نصیب بماند.» (۳) آیا همین نگران کننده نیست که مبدا بخشیده نشویم؟ و بدی‌هایمان مورد عفو و اغماض قرار نگیرند و ما با همان بدی‌ها از رمضان خارج شویم؟ دیگر کجا آن پلیدی‌هایی که با زمزم رمضان شسته نشده‌اند، پاک خواهند شد؟

۵. نگرانی از قبول عمل

پنجم، اگر قرار است ماه رمضان ماه عبادت ما باشد و بنا است طاعات ما در این ماه به بارگاه حضرت دوست و محضر باری‌تعالی عرضه شوند، آیا عظمت او و ابهت مقام ربوبی عامل نگرانی از کمی قیمت اعمال بندگان نخواهد بود؟ آیا نگرانی قبولی عمل، به دلیل علو مرتبت حضرت حق، دل بندگان را همیشه نمی‌لرزاند؟

چرا بعضی‌ها نگران قبولی اعمالشان نیستند؟

بعضی‌ها وقتی که به عبادات می‌رسند، مثلاً نماز می‌خوانند، دیگر اصلاً نگرانی ندارند که آیا این نماز مورد پسند خدا واقع خواهد شد یا نه؟ روزه این رمضان مورد پسند قرار خواهد گرفت یا نه؟ در حالی که برای بسیاری از امور دیگر زندگی این‌گونه نگرانی‌ها را دارند. خیلی ببخشید،

انگار از خدا طلبکارند و حرف زور شنیده‌اند که مجبور به این عبادات شده‌اند و همین مقدار ناچیز را هم از سر آنها که دستور داده‌اند، زیاد می‌دانند.

نمی‌دانند خدا اول به حس بندگان خود نگاه می‌کند و اگر کسی نگران قبولی عملش نباشد، گویی دارد اعمالش را با کراهت انجام می‌دهد. دیگر چنین اعمالی نزد خدا چه ارزشی دارد؟

خدایی که قبل از عمل و بعد از عمل و در متن عمل، خود بنده‌اش و اقبال او و دل عاشق او را می‌خواهد، وقتی بنده‌اش را ببیند که عبادتش را با بی‌اعتنایی به سوی خدا رها می‌کند و نگران رسیدن آنها به مقصود و قبولی آنها در نزد معبود نیست، دیگر این عبادات چه ارزشی پیش خدا خواهند داشت؟ اینجاست که بعضی‌ها از روزهٔ رمضان چیزی جز یک ماه گرسنگی و تشنگی عایدشان نمی‌شود.

مثل اجیری که به او زور گفته‌اند و او را به بیل زدن وادار کرده‌اند. بعد از بیل زدن به چشم صاحب کار نگاه نمی‌کند که رضایت او را ببیند، به دست او نگاه می‌کند که اجر خود را بگیرد. و اگر هم انتظار اجر نداشته باشد و صاحب کار خود را این قدر ظالم بداند که نخواهد به او اجرت بدهد، بیل را مقابل پای او پرت می‌کند و می‌رود.

می‌دانید امثال ما چه موقع نگران نتیجهٔ عملمان نیستیم؟ و نگران نمی‌شویم که آیا عملمان مورد پسند قرار گرفت یا نه؟ برای آنکه اگر کسی بخواهد سخت‌جانی کرده باشد تیر خلاصی به او زده باشیم، مثالی را با عذر خواهی تمام باید بزنم:

اگر یک فقیر زنده‌پوشی در خانهٔ ما بیاید و بخواهیم به او غذایی بدهیم معمولاً چون شخصیت آن فقیر برایمان اهمیت چندانی ندارد، یعنی اگر نداشته باشد، و چیزی که می‌خواهیم بدهیم از اضافات خانه باشد، دیگر برایمان فرقی نمی‌کند ظرفی که می‌دهیم یا غذایی که در آن می‌نهم چه ارزشی داشته باشد. آیا مورد پسند او قرار خواهد گرفت یا نه؟ مخصوصاً اگر انتظار بازگشت ظرف غذا را هم نداشته باشیم. ما اینجا نگران مورد پسند واقع شدن عمل خودمان نیستیم، بلکه می‌خواهیم یک چیزی به او بدهیم و او را از در خانه رد کنیم.

بی‌شک بیرون آمدن از این دل‌نگرانی‌ها و شمار دیگری که در این شمارش نیامد، جز با مدد پروردگار عالم مقدور نیست. همچنان که ورود به وادی خوف نیز جز در اثر معرفت و محبت به معبود میسر نمی‌باشد.

چقدر نگاه بلندی دارد، آن انسانی که از اول نگران نتیجهٔ عملش و انتهای کارش باشد. و این دعای قرآنی را همراه با نوعی ترس عاشقانه و عارفانه، در بدو ورود به رمضان زمزمه می‌کند: «وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا؛ و بگو پروردگارا مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود حجتی یاری کننده برایم قرار ده!» (۴).

(۱) صحیفهٔ سجّادیه، دعای ۴۵: دعای وداع با ماه مبارک رمضان.

(۲) الکافی، ج ۴، ص ۸۷، باب أدب الصائم، ح ۲.

(۳) عیون اخبار الرضاع، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۸، ح ۵۳.

(۴) سوره اسراء، آیه ۸۰.

